

## ابتدای آبادی بشر

مقتباس از مجله همایون

ترجمه محمد آصف خان مائل

درین موضوع که همه انسانها از یک جنس اندهیچ کس حریفی ندارد. خواه اسکیموهای منطقه، بارده و خواه حبشی و سودانی منطقه حاره یا قبائل زرد پوست چین و یا سفید پوستان برطانیه، فرانس، هند عرب و ایران تمام اینها از یک جنس و یک نوع هستند در همه آنها قوه نطفی و بیان موجود است. همه برهنه خلق شد اند و محتاج لباس اند. تعداد و ساختن جراحی همه یکدگرز است، چشم و گوش، دهن و بینی، دست و پای و انگشتان همه مشابه است، باشند منطقه بارده اگر در منطقه حاره بیاید بود و باش اختیار کند و نسل های آینده آن در منطقه حاره نشوونما یافته آنجا اوطان خود ساخته می تواند، اگر باشند چین بخراهد با انگلیستان برود یا باشند انگلیستان به آریتریا بخواهد رهائش کند، کن است. انسان اشرف مخلوقات و مخدوم همه ذرّوح است و اولاد یک شخص یعنی آدم علیه السلام کرد نشان مجادله ندارد یک رنگی خلقت جسمانی دماغی و روحانی دابل کامل است برینکه عالم انسانیت تماماً یک خاندان و زاده یک آدم است.

چونکه حضرت باری تعالی (ج) انسان را برای رهائش و از نثار در تمام ربع مسکون خلق کرد لذا برهنه خلق کرد آن ضرور بوده تا در هر ملک و هر عرض البلد حسب اقتضا لباس تیار کند اگر بطور حیوانات دیگر مثل بز کوفند او را محتاج لباس خلقی نمی کرد آنوقت مثلیکه حیوان منطقه حاره در منطقه بارده زندگی نمی تواند و حیوان منطقه بارده مثلاً ریندیر به سودان و حبشه آمده رهائش کرده نمی تواند و نسل آن در آنجا تریه نمی شود همان طور انسان های باشند حصه، های سرد در مناطق گرم

و بالعکس آن زندگی کرده نمی توانستند اگر خدای تعالی برای هر منطقه يك نسل مخصوص خلق میکرد و نسل بیک حصه قابلیت و استعداد رهائش را در حصه دیگر نمی داشت آن وقت گفته میتوانستیم که در هر حصه اولاده يك پدر علیحده است و در ابراج حصص مختلف انسانهای مختلف پیدا شده بالفاظ دیگر همه انسان ها اولاده يك پدر واحد نیستند اما از مشاهده حالات موجوده بشر صراحتاً معلوم می شود که همه اولاد يك پدر اند.

از طرز تغذیه انسان هم ثابت می شود که جهت آبادی و انتشار در تمام نقاط جهان خلق گردیده است چه اگر غذای انسانی هم بطور دیگر حیوانات مخصوص و معین می بود باز انسانهای يك مملکت به مملکت دیگر رهائش کرده نمی توانستند زیرا در همه نقاط دنیا يك نوع نبات موجود نیست در بعضی حصص سرد قطعاً نبات نمی روید و معیناً انسان در اینجا وجود دارد زندگی میکند و بغذای حیوانی امرار حیات می نماید.

درین میان این حرف نیز قابل ذکر است که در حصه های سرد و پر برف ها آنقسم حیوان موجود است که بر روی برف عراده میکشد و در ریگستان های پهناور اشتر برای خدمت بشر وجود دارد و در حصه های تپه که ضرورت به اسب است اسب پیدا شده و در جاهیکه کاه لازم است گاو خلق گردیده خلاصه برای این مخدوم ( بشر ) در هر جا حسب اقتضا خدام حاضر شده است بوجود خدام مخصوص و معنی احتیاج ندارد هر کجا برود از خدام همان حصه کار میگیرد و قابلیت دارد که هر جا کارش را برآورد این امر دلیل دیگر است بر اینکه انسان خلق شده است تا هر حصه دنیا آباد شود بیک حصه را گذاشته بحصه دیگر سکونت اختیار نماید یعنی انسان فطرتاً دارای این قابلیت است که به حصه های مختلف دنیا برود و بپایه اقامت گاهش را تبدیل نماید و بهر گوشه که بخواهد آباد شود پس شخص فهمیم فی تامل باین امر تسلیم است که انسانها همه اولاد يك پدر اند و همه جهان وطن شناسند.



به موجب روایات مذهبی بعضی اقوام خدای تعالی آدم علیه السلام را پس از آفرینش بعلاقه عدن جاداد و اولادش از آنجا بدینا منتشر شد، پس از طوفان، نوح علیه السلام بدان کوه جودی از آشتی پیاده شده بشام و عراق نسل انسان آباد گردید و ازین نقطه بدیگر جاهها منتشر شد. بعضی از مردمان جولانگاه آدم علیه السلام را در حدود چین و ترکستان حدس زده سیحون و جیحون حتی هر وجعه و قودات و سعی را نهرهای جنت میگویند بعضی دیگر ازین جا هم بطرف شمال بالا رفته حصه قطبی را که امروزه از برف مستورا است مقام آدم ع میگویند. گروهی گویند که بر منشاء ریش سهویانش با آدم را در هندوستان و زنجبار انتشار یافت، فرقه را عقیده برین است که کشته و تبت وطن ابتدائی نسل انسان بوده.

بمحققین زمانه موجوده خیال دارند که نباتات در زمین اول بمقامات بلند چین و ترکستان پیدا شد چنانکه تا کنون هم مقامات بلند چین و ترکستان قابلیت خوبی برای شادابی و سرسبزی دارد لذا انسان هم اول در آنجا پیدا شد چه در اینجا غذا برای وی به افراط بود و حیوانی هم که در حیات بوجود و بیشتر ضرورت می افتاد بیشتر پیدا شد و انسان ابتدای عرصه درازی درین حصه پرورش یافت ولی چون تعدادش همه روزه زیاد شده میرفت و پیداوار همان حصه برای حیوان هم با شدگان کفایت نکرد و هر که لوازم زندگی را در قبضه و تصرف خود داخل کرد ازینجا منازعه و مخالفت بین شان تولید گردید و در نتیجه همین گیر و دارها گروهها مختلف شد جمعیت هائیکه صاحب قوت بودند ضعفا را بجلاء وطن مجبور ساختند که آنها به تلاش ملجأ نوی برآمده در قرب و جرار آنها به آباد شدن و تهیه جای نمودن بنانهند یعنی از ایشان جانب شمال مشرق یعنی بطرف منجوریا کامچاتکا بالا رفته و حصه هم جانب شمال غرب یعنی بروسیه و یورپ منتقل شدند چیزی بطرف ایران و خراسان و چیزی جانب تبت و هند آمدند و هر علاقه که مهاجرین آباد شدند پس از عرصه

قبائل دیگر نیز بتدریج مرکز اصلی سکونت خود مجبور شده با آنها یکجا شدند و در علاقه های جدید هم بهمان صورت پیش آمده رفتند و جماعه های طاقنور دسته های ضعیف را مجبور ساختند که مهاجرت کرده بعلاقه های نوری سکونت اختیار کنند باین طریق بهر هزارها سال طائفه های کمزور از پیش و طاقنور ها بدینا منتشر شد تا آنکه در جزیرنی فریقه ، مغربی یورپ ، جنوب هند ، جزیرنهای ملایا انسان ها آباد شدند. اختلاف آب و هوا ، حرارت و برودت عرض البلد خصوصیات غذا برنگ ، چشم و خط و خال شان تاثیر کرده طوائف مختلفه بظهور آورد چونکه جزیره کامچاتکا دران آوان به امریکا اتصال داشت آنانکه از شمالی چین منتقل شدند یکحصه شان به امریکه رسید که اولاد شان باشنده اصلی امریکه ( رید اندین ) میباشد. در آب و هوای آن منطقه هنوز تاثیری است که نسل یورپی چون در انجا آباد می شود درسیمای شان آثار رنگ رید اندین ها پدیدار میگردد و بعد از گذشتن سیلیان متمادی و صدها نسل یورپی های سفید پوست بجای باشنده امریکه در می آیند آنانیکه سطح مرتفع ترکستان و چین را مبداء اولین پرورش اقوام ابتدائی بشر می گویند امروزه نظریه شان در دنیا بیشتر طرف قبول واقع شده ورنه پیش ازین علمای یورپی علاقه متصل بحیره کسپین یا کوههای پامیر و تبت یا میدان ایران را قرار گاه اولین بشر حدس میزدند.

چیز هائیکه فوقاً تحریر شد بحمل و خیالات و قیاسات متورخین مختلفه است و درین موضوع بیک طور دیگر میتوان غور کرده و آن اینست که علمای هیئت طبقات الارض ، سائنس طبیعیات و غیره به تخلیق عالم غور و تطبیقات نموده چنین نظریه دارند: که در ابتدا زمین بشکل یک کره هوائی بوده بمرور ایام بشکل کره مائنی تبدیل شد بعد از آن درجه حرارت بحدی تنزل کرده که شروع به انجماد نمود ، عمل انجماد از سطح بیرونی شروع شده ولی بسبب حرارت داخلی چندین بار قشر خارجی بهم خورد به اینقسم بمرور هزارها سال ها کوههای بسیاری بوجود آمده کمکی سکون پیدا شد درجه حرارت که بیشتر نزول کرد ذرات



لطیفی که بچهار طرف موجود بود ( بهاپ ) صورت آب را اختیار نمود و بر حصه های فرو رفته زمین جا یکپیر شده به اینصورت بچرها بوجرد آمد ( ثم السقوا الی السماء و هی دخان فقال لها و لارض ائینیا طوعاً او کراً ها قالنا اتینا طوعاً و نبراً ) و چون زمانه زیاد گذشت و حرارت بسیار کم شد نباتات شروع به پیدایش و نمو کرد و بعد از آن زمین برای تربیه حیوانات مساعد گشت و سپس انسان عرض وجود نمود حرارت حصه بیرونی زمین روزانه کم شده رفت و هر قدر که انجماد و سردی حصه بیرونی زمین زیاد شد تنزل حرارت داخلی بیشتر گردید - امروز علماء طبقات الارض ثابت کرده اند که در محت زمین ۲۷ میل پایان تراز سطح حرارت بدرجه بلند است که فولاد کدابخه مثل آب رقیق میگردد چنین زمانه هم بر زمین مرور کرده است که فولاد به سطح خارجی آن میبکشد و روزی چنین هم خواهد رسید که بحای ۲۷ میل در عمق ۱۰۰ میل چنین حرارت کدازنده فولاد پخته شود چه این امر ثابت شده است که حرارت آفتاب از آغاز تا کنون رو به کشدنت . انسان بر روی زمین وقتی پیدا شد که در آن زندگی کرده می توانست و الارض وضعها للانام پس پیش از انسان مخلوق ذی روحی که در زمین بوده برخلاف انسان بدرجه حرارت شدید زیسته می توانست و به ذغال و اخگر تغذیه می نمود که این مخلوق را آتشی گفته می توانیم خاق الجن من مارج من نار . این امر نیز عین و مسلم است که زمین اول از طرف قطبین شروع بر سرد شدن نموده بود همینستکه امروزه شدت سردی در قطبین محسوس است جانب قطب جنوب زمینیکه قابل ذکرا باشد موجود نیست اگر کدام جزیره بی حقیقی هم در آن فواح بوده تعلقات آن باریع میسکون قائم نبوده پس تسلیم کرده خواهد شد که منطقه بارده شمالی از همه بیشتر قابل رها یش انسان شده بود در آن آوان بمنطقه بارده معتدله و منطقه حاره بمدی گرم بود که انسان در آن حدود زندگی کرده نمی توانست پس قیاس چنین اقتضا میکند که خداوند تعالی انسان را در حصه مرکزی منطقه بارده شمالی امروزه که یازده ماه از رف

مشحون است پیدا کرده خواهد بود. هر آنقدر که زمین سرد شده رفت و برای اقامت انسان موزون گشت اولاد آدم از عرض البلد شمالی بطرف جنوب پایان آمد، رفت مثلاً یک حصه جانب سائبریا، منچوریا و چین، حصه دیگری طرف سویدن، روس و یورپی و دیگری ممالک یورپ و حصه هم بطرف گرین لیند، امریکای شمالی به منتشر شدن و آباد گشتن شروع کردند و رفته رفته به تمام حصص جهان رسیدند چونکه آبادی بشر ابتدا از شمال آغاز شد و از آنجا جانب جنوب یا، جنوب غرب و جنوب شرق متفرع و منتشر گشت بناءً از تاریخ قدیم و حکایات یاستانی و تدقیق در روایات قدیم این سخن معلوم میشود که اگر عامل دیگری نبود اقوام شمالی در ناخت و نازهای خود بر اقوام جنوبی بیشتر موفق و کامیاب شده اند. اقوام شمالی یورپ آنقدر حمله های کامیابانه که بر علاقه های جنوب یورپ کرده اند جنوبی یورپ بر شمال آن تا آنحد کامیابی حاصل کرده نتوانسته اند. ترکها بار بارها به ایرانیها فاتح شده اند اما تصرف ایرانیان به ترکستان که اتفاق افتاده همچنان برهند حملات از شمال و مغرب تکراراً شده است ولی نوبت چیره دستی جنوب هند بر شمال آن بسیار کم است مصر را ایتالیا، یونانیها و سامیها تکراراً فتح کرده اند ولی قبضه مصر بر قلمرو آنها شانز و نادر است همین قسم مصر بر علاقه سودان و حصه های جنوبی به آسانی صاحب اقتدار شده ولی برای سودانیها فتح مصر کمتر میسر شده است. این نیز دلیل است بر اینکه انسان از شمال به آسانی جانب جنوب رسیده میتواند از جنوب به شمال بالارفتن دشواری زیاد داشت بنابراین مهد آسایش قدیم خود را به علاقه های شمال باید تلاش کرد و با آسانی تسلیم کرد که وطن اولی بشر منطقه بارده یعنی همان حصه قطب شمالیست که امروزه یازده ماه از برف مشحونست زمانی شاداب ترین حصص دنیا بوده و حالا وحشی ترین اقوام و اسکیموها آنجا سکونت دارند.

و الله اعلم بالصواب